



دکتر افسانه رشاد

دکتری روابط بین‌الملل و دبیر گروه بررسی مسائل استراتژیک خاورمیانه  
همکار در مرکز مطالعات آمریکا

## سنگربندی

# بحران اوکراین و پیامدهای گسترش ناتو

به منزله افزایش تهدیدات ژئوپلیتیکی علیه روسیه، تلقی شده است و این امر، زمینه ظهور گروه‌های ناسیونالیستی در این کشور را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. ظهور پوتین، نمادی از تغییر فرایند ساختار و الگوی رفتاری روسیه در مقابله با توسعه‌طلبی ناتو و ایالات متحده محسوب می‌شود. ناسیونالیسم روسی در اولین قدم خود، زمینه پایان نقش‌یابی گروه‌های غرب محور همانند: «بوریس یتلیسین» و «اندره کوزیروف» را فراهم ساخت. افراد یادشده، دارای رویکرد غرب محور بودند اما نتوانستند، غرب را در حوزه سرزمینی و شکل‌بندی‌های ژئوپلیتیکی خود متوقف سازند. روند گسترش ناتو در قرن ۲۱، ابعاد جدیدی پیدا کرد؛ گسترش ناتو از یک سو، معطوف به «ابتکار استانبول» بوده است که در سال ۲۰۰۴ سازمان‌دهی شد. «ابتکار استانبول»، از این برای اهمیت دارد که مرزهای ناتو را به سمت جغرافیای امنیتی ایران، گسترش می‌دهد. تمامی کشورهای حوزه خلیج فارس، به عنوان شرکای امنیتی آمریکا، محسوب شدند

گسترش ناتو، تابعی از شکل‌بندی ساختاری نظام بین‌الملل است، هرگاه ساختار نظام بین‌الملل در وضعیت دوقطبی قرار گیرد، زمینه برای شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای با رویکرد ژئوپلیتیک، به وجود می‌آید. ناتو در سال ۱۹۴۹ و در راستای سازمان‌دهی ائتلاف اروپا و آمریکا، بر اساس قالب‌های آتلانتیکی به وجود آمد. والرشتاین در سال‌های بعد از جنگ سرد، به این موضوع اشاره داشت که ناتو، به عنوان ساختار امنیتی در برابر توسعه اتحاد شوروی تعریف می‌شود. فروپاشی اتحاد شوروی و بی‌اثر شدن پیمان ورشو، می‌بایست زمینه‌های لازم برای پایان پیمان ناتو را فراهم آورد. واقعیت آن است که نه تنها پیمان ناتو، کارکرد خود را از دست نداد بلکه زمینه شکل‌گیری سازوکارهای مربوط به گسترش ناتو نیز به وجود آمد. گسترش ناتو به معنای تغییر در معادله ژئوپلیتیک منطقه‌ای و ژئوپلیتیک نظام جهانی خواهد بود. بخش قابل توجهی از کشورهای اروپایی شرقی همانند لهستان، جمهوری چک و اسلواکی به پیمان ناتو ملحق شدند. گسترش پیمان ناتو

و به گونه تدریجی، نقش نظامی و امنیتی مؤثری را در ابتکار استانبول، به عهده گرفتند.

موج دیگر گسترش ناتو، به توسعه ناتو به سمت جغرافیای امنیتی خارج نزدیک، مربوط بوده است. جغرافیای خارج نزدیک، عرصه‌های هم پیمان با روسیه را منعکس می‌سازد. روسیه در سال ۱۹۹۳، به این موضوع اشاره داشت که همکاری با متحدان ساختاری خود را بر اساس ضرورت‌های ژئوپلیتیکی ادامه می‌دهد. در چنین شرایطی بود که نشانه‌هایی از سنگربندی و مرزبندی ژئوپلیتیکی میان روسیه و ایالات متحده، به گونه‌ای تدریجی آغاز شد. آمریکا در صدد بود تا حوزه مرزهای امنیتی خود را به عرصه‌های جغرافیایی اتحاد شوروی سابق برساند. برای تحقق این امر، از سازوکارهای مربوط به انقلاب‌های رنگی و گسترش ناتو به حوزه‌های سرزمینی خارج نزدیک استفاده نمود. بر همگان واضح است که روسیه در روند الحاق گرجستان به ناتو، واکنش شدیدی نشان داد. مقامات روسی اذعان می‌کنند که جمهوری سابق اتحاد شوروی، باید به روایت‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی ساختار پیشین خود وفادار باشند؛ در حالی که بعد

از فروپاشی اتحاد شوروی و کاهش اعتبار سوسیالیسم جهانی، زمینه برای تغییر در قالب‌های ادراکی شهروندان جمهوری‌های جدا شده از اتحاد شوروی، به وجود آمد. واکنش روسیه در برابر الحاق گرجستان به ناتو، نسبتاً خشونت‌آمیز بود. روسیه از سازوکارهای کنش پر شدت برای انصراف گرجستان از ائتلاف‌های آمریکا محور، بهره گرفت. سرنوشت اوکراین با واقعیت‌های گرجستان در معادله قدرت در اوکراین، از سال ۲۰۱۴ با تغییرات مشهودی همراه شد. در این دوران تاریخی، یانوکویچ رئیس جمهور روس محور، با اعتراض‌های عمومی و گروه‌های اجتماعی روبرو شد. انقلاب زرد اوکراین، تأثیر خود را در موج‌های سیاسی مقابله جویانه با روسیه، به وجود آورد.

روسیه تلاش نمود تا نظام‌های اوکراینی را تشویق نمایند که همکاری‌های گسترده و پر دامنه خود را با ایالات متحده پایان دهند. روسیه، همچنین به این موضوع واقف بود که اگر اوکراین، بخشی از پیمان ناتو شود، زمینه برای رویارویی با ژئوپلیتیکی قدرت‌های بزرگ، به وجود می‌آید. پوتین به این موضوع اشاره داشت که پیمان ناتو، می‌تواند

زمینه لازم برای بحران‌های امنیتی جدید را به وجود آورد؛ در حالی که مقام‌های امنیتی ناتو و آمریکا، هیچ‌گونه توجهی به حساسیت‌های روسیه نشان نمی‌دادند. باید بر این امر، اذعان داشت که پوتین در ماه‌های آغازین سال ۲۰۲۲، به این جمع‌بندی رسید که شرایط برای کنش نظامی علیه اوکراین وجود دارد. آرایش نظامی روسیه در مرزهای اوکراین برای حمایت از جمهوری‌های خودمختار «دونتسک و لوهانسک» انجام گرفت. پوتین از انگیزه لازم برای کنش نظامی علیه اوکراین برخوردار بود. رئیس جمهور روسیه، به این موضوع واقف بود که هرگونه اقدام نظامی و امنیتی علیه اوکراین، نمی‌تواند به پاسخ متقابل از سوی آمریکا و پیمان ناتو منجر شود، به همین دلیل، زمینه را برای اقدام نظامی روسیه علیه اوکراین، به وجود آورد.

واقعیت‌های سیاست بین‌الملل، بر اساس معادله موازنه قدرت، شکل می‌گیرد. موازنه قدرت به مفهوم آن است که بازیگران و قدرت‌های بزرگ، باید به واقعیت‌های معمای امنیت، توجه داشته باشند. معمای امنیت به مفهوم آن است که هر کشوری، باید شکل خاصی از رفتار

نظامی و امنیتی آمریکا محور در حوزه‌های مختلف جغرافیایی ندارند. ناسیونالیست‌های آمریکایی بر ضرورت بازگشت به آمریکا و برجسته‌سازی منافع ملی آن تأکید دارند و در چنین شرایطی، طبیعی به نظر می‌رسد که گسترش ناتو، نه تنها منجر به ظهور تهدیدهای پرمخاطره جدید برای آمریکا می‌شود، بلکه زمینه شکل‌گیری جنگ سرد جهانی را به وجود آورده است.

### فرجام سخن

جنگ سرد جدید، دارای این ویژگی است که زمینه رویارویی ژئوپلیتیکی بازیگران و قدرت‌های بزرگ را فراهم می‌سازد. بحران اوکراین، به گونه اجتناب‌ناپذیری معادله قدرت و سیاست در نظم جهانی را تغییر خواهد داد. تجربه الگوی رفتاری روسیه، نشان می‌دهد که این کشور، سیاست‌های مقابله با زلنیسکی را ادامه خواهد داد. روسیه با نهادهای سیاسی و امنیتی ناتو در اوکراین، مقابله امنیتی خواهد کرد؛ به همین دلیل است که شکل جدیدی از رقابت ژئوپلیتیکی امنیتی در محیط منطقه‌ای اروپای شرقی، ایجاد خواهد شد و بار دیگر، نظریه «قلب زمین مکیندر»، اعتبار خود



ناتو، بخشی از شکل‌بندی‌های قدرت خود را بر اساس نقش امنیتی آمریکا، به دست می‌آورد. ظهور ترامپ، بیانگر این واقعیت است که آمریکا، به‌گونه‌ای تدریجی، نقش محدود و محدودتری در اقتصاد و سیاست جهانی، به دست می‌آورد. توسعه قدرت، همان‌گونه که منجر به توسعه قدرت خواهد شد، زمینه شکل‌گیری تهدیدهای نوین را نیز به وجود خواهد آورد. تجربه گسترش ناتو برای آینده سیاسی و امنیتی آمریکا، پرمخاطره خواهد بود. گروه‌های ناسیونالیستی آمریکایی همانند دونالد ترامپ، هیچ‌گونه تمایلی به توسعه نهادهای

سیاسی و بین‌المللی را در دستور کار قرار دهد که منجر به اقدامات واکنش از سوی سایر بازیگران نشود. روسیه به این دلیل، اقدام نظامی علیه اوکراین را به انجام رساند که احساس تهدید می‌کرد. اگر کشوری در فضای احساس تهدید قرار گیرد، طبیعی است که قابلیت خود را برای اقدامات متقابل، افزایش خواهد داد. اگرچه حوزه نفوذ و قدرت ژئوپلیتیکی آمریکا، به همراه کشورهای ناتو بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، افزایش یافت اما واقعیت‌های موجود، بیانگر آن است که میزان تهدیدهای فراروی آمریکا و ناتو نیز به‌گونه‌ای تدریجی، بیشتر و فزاینده خواهد شد. پیمان